

تمدن فراموش شده خلیج فارس*

P.V.Glob and T.G.Bibby

جزیره بحرین در نیمه راه خلیج فارس و ملتقای دجله و فرات واقع است ، این جزیره از دیر باز نزد دو گروه از مردم به جزیره مردگان شهرت داشته است : یکی باستان شناسان و دیگر دزدان کورها . در سطح این جزیره که پوشیده از شن های طلائی رنگ است برجستگی های بسیاری که مانند تپه های کوچکی است دیده می شود . تعداد این تپه ها گرچه تا کنون شمرده نشده است اما به یقین می توان گفت که بیش از صد هزار است . زیادی این تپه ها در وهله اول هر بیننده را بدین اندیشه وامی دارد که در اثر دگرگونی طبیعی اینها به وجود آمده اند یا در دوران های ابتدائی قشر ملتهب و جوشان زمین یکباره سرد شده است و حباب هائی در سطح آن پدید آمده و آن حبابها پس از گذشت زمان به صورت این تپه ها درآمده اند . اما حقیقت این است که این پشته ها را مردم ساخته اند در درون هر یک از این ها غرفه ای سنگی است که در آن انسانی به خواب ابد رفته است . پس از گذشت هزاران سال هنوز هم بقایای استخوان های این مردگان در بین انفاک ها باقی است . در بعضی از این تپه ها دو غرفه سنگی ، یکی بزرگتر از دیگری دیده می شود .

در نظر باستان شناسان که از اوایل قرن حاضر درین جزیره دست به کاوش زده بودند ، وجود این همه کور در یک جزیره کوچک شکفت می آمد ، زیرا هیچ اثری که دلیل بر وجود شهر یا دهی باشد در آن اطراف به دست نیامده بود . ازین رو باستان شناسان در پشته های بزرگتر به حفاری پرداختند . در آغاز کار می بردند که درین جزیره نیز این

یکی از تپه های بزرگ بحرین که سراسر شمال این جزیره پوشیده از آنهاست .



گورها از دستبرد دزدانی که بابش قبر بر ثروتی مدفون دست می‌یافتند، مصون نمانده است. و این کار از روز کاران قدیم آغاز شده و بسیاری چیزها ازین کورستان به غارت رفته است. اما آنچه باقی مانده بود، نشان می‌داد که زمانی ثروتی هنگفت درین اتافکهای سنگی پنهان بوده است و دزدان به منبعی بی‌صاحب و بی‌رنج دست یافته بودند: زیورهای زرین و مسین که عاج در آنها نشانده شده بود و...

از آنچه به دست آمده بود حدس می‌زدند که این گورهادستکم از دوران مفرغ است و هزار سال پیش از میلاد مسیح آنها را پاک کرده اند.

اما مشکل اصلی همچنان باقی بود: در سراسر این جزیره نشانی از شهر یا دهی به دست نیامده بود. رفته رفته باستانشناسان برین عقیده شده بودند که جزیره بحرین کورستانی بوده است که از خاک عربستان مردگان را بدانجا می‌آورده‌اند.

اما مسأله‌ای منطقی اسان را از قبول این فرض باز می‌داشت. در بحرین آب شیرین به اندازه کافی وجود داشت و خاک آن نیز بارور و حاصلخیز بود. در حالی که عربستان خاصه کناره‌های مجاور بحرین خشک و پوشیده از شن و غیر مسکون بود.

این مشکل تا سال ۱۹۵۳ باقی بود، درین سال موزه «آرهوس Aarhus» دانمارک جمعی را مأمور کرد تا در بحرین کاوش‌هایی مقدماتی انجام دهند و مطالعه‌های اجمالی در سراسر این جزیره بکنند، و تا آنجا که ممکن است معمای کورستان را بکشاید.

در اولین کاوش‌ها منظور حاصل شد، بقایای شهری باستانی، چندین دهکده و یک معبد کشف شد. اغلب اینها همزمان گورها بودند. معبدی که نام بردیم هیچگونه شباهتی به معبدهای دیگر که درین نواحی کشف شده بود نداشت، و برای اولین بار پرده از تمدنی ناشناس برداشته شد.

این هیأت به کار خود ادامه داد و هفت سال به کاوش درین جزیره پرداخت. اکتشافها و آثاری که به دست آمد ثابت کرد که تمدنی ناشناس درین جزیره وجود داشته است. از طرف دیگر معلوم شد دامنه این تمدن کناره‌های لالی شکل عربستان را در خلیج فارس فرا گرفته و به سوی شمال خاوری کشیده شده است.

یابان شمال بحرین پوشیده ازین تل‌هاست.

اعضای این هیأت در

۱۹۶۰ به بیست و هفت تن

باستانشناس رسید که در جبهه‌ای

به طول شصت میل سرگرم

حفاری بودند. این جبهه از

کویت (آخرین نقطه غربی

خلیج فارس) آغاز می‌گردید

و تا «ابو دبی» و «بوریمی»



ادامه می یافت . این کاوشها ثابت کرد که بحرین کنونی همان جزیره افسانه‌ای «دیلمون Dilmun» است که در کتیبه‌های سومری مکرر بدان اشاره شده و چون پلی میان مراکز تمدن ابتدائی و دره سند (در پاکستان کنونی) بوده است .

*

هنگامی که ما (نویسندگان مقاله) برای اولین بار پایه جزیره کوچک «محرق» گذاشتیم ، بهیچ روی فکر نمی کردیم قافله سالار هیائی از باستانشناسان درین گوشه خاوری جهان باشیم .

بهترین قسمت جزیره بحرین ، شمال

نمونه‌ای از سوره‌های بحرین و دیواره‌های سنگی آن

آن است و هر چه به سوی جنوب نزدیک شویم عرض آن کم می‌شود تا عاقبت نوك نیزه مانند انتهای آن میان شبه جزیره عربستان و جزیره قطر در خلیجی ژرف پایان می‌پذیرد . گورستان وسیعی که در آغاز بدان اشاره شد در شمال این جزیره قرار دارد . در شمال و شمال باختری نخلستان هائی بزرگ جزیره را در خود گرفته است و در گوشه و کنار یونجه زار هائی دیده می‌شود که علوفه گوسفندان و چهارپایان دیگر جزیره نشینان را تأمین می‌کند .

بقیه جزیره صحرائی هموار است که گاه گاه تپه‌ماهور هائی آهکی وضع‌ش زار هائی مسطح آن را بر هم می‌زند . در میان جزیره کوهی است به نام «جبل الدخان» که چهارصد و چهل پا از سطح دریا ارتفاع دارد . يك سوم از مردم این جزیره که صد و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد ، در پایتخت آن یعنی شهر «متامه» ساکنند . این شهر در شمال شرقی جزیره بحرین واقع است . نیمی از دوسوم دیگر ، در جزیره «محرق» زندگی می‌کنند و باقی در ده هائی که در نقاط دیگر جزیره واقع است . ده نشینان در کومه هائی که از شاخ و برگ خرما ساخته شده است به سر می‌برند و می‌توان گفت که گذشت زمان هیچ گونه تغییری در وضع زندگی آنان نداده است . کار اینان پرورش خرما و کشت سبزی و کندن گودال هائی است در کنار دریا تا هنگام جزر و مد ماهی ها درین گودال ها به دام آفتند .

در تابستان اهالی به سید مروارید ، باقایق های بادبانی شان به دریا می‌روند ، اما این کار چون درین روزگار چندان سرفه ندارد کم کم در حال متروک شدن است ، زیرا کنجینه هائی سود بخش تر به تازگی پیدا شده است : نفت .

بحرین در خلیج فارس اولین جزیره بود که در آن معادن نفت کشف شد . مردم کارهای ابتدائی خود را چون غواصی و ماهیگیری کنار گذاشتند و به کار گاه ها و پالایشگاه

نفت که در کناره غربی این جزیره بنا شده است روی آوردند. شهر کوچکی به شیوه اروپائیان در وسط جزیره بنا شده است که ساختمان هائی زیبا و باغ هائی سبز و خرم دارد و اروپائیان و آمریکائیانی که صنعت نفت این جزیره را به دست دارند و آن را می گردانند با خانواده های خود درین شهر ساکن هستند.

*

در سحرای شمالی این جزیره بود که برای اولین بار تمدنی متعلق به دوران های پیش از تاریخ کشف شد. آثار باستانی که از کاوش های ابتدائی به دست آمد نشان می داد که این تمدن قدیم تر از کورهائیست که در بالا یاد آور شدیم.

در بعضی نقاط که به سبب وزش باد رنگ های روان به کنار رفته بود، صدهاتکه سنگ خاراى تراشیده به چشم می خورد که باقی مانده سطحی سنگفرش شده بود و نشان می داد اقامتگاه گروهی از مردم بوده است. این اقامتگاه ها همه در طول ساحل جزیره قرار داشته است ولی اکنون چون آب پس نشسته است دومیل از ساحل کنوایی جزیره فاصله دارد. چندی بعد سربیزه ها و داس هائی از سنگ خارا که به خوبی تراشیده شده بود به دست آمد اینها دلیل بر وجود تمدنی از عصر حجر بود. این ابزارهای شکار، پس از کاوش هائی که در جزیره قطر، صورت گرفت و تیرها و داس های سنگی که به دست آمد ثابت شد که از صد هزار سال قبل از میلاد باقی مانده است. روز به روز کاوش های باستان شناسی پیش می رفت اما معمای بزرگ کورها حل نمی شد. کوشش باستان شناسان در ماه اول حاصلی داد، اما خرابه ها، و بقایای ظرفهای سفالینی که به دست آمده بود متعلق به دوران های مختلف بود و بدین سبب ممکن نبود نتیجه درستی از آن ها گرفت. از این رو تصمیم برین شد که در کورها هم کاوش شود تا معین گردد که در آنها نیز ظروف سفالین وجود دارد یا نه.

حفاری در قبرها آغاز گردید. کوشش که در دستاورد مطالعات فرنگی منظره ای از کاوش در «رأس القلعه»



نخورده تر به نظر می آمد بر گزیده شد. در جانب شرقی هر يك از این کورها که شیوه ساختار آن ها خاص بحرین است، پیش رفتگی دهلیز ماندنی وجود دارد که مقبره را به صورت T در آورده است. گرچه پس از کاوش مسلم شد که یقما گران به این دو کوره هم دستبرد زده اند، با وجود این تیر هائی مسین و جامی از پوست تخم شتر مرغ و چند ظرف سفالین به رنگ سرخ به دست آمد.

این کشف هیأت باستان شناسی را به شوق آورد و آن ها شروع به حفاری در محلی



گوری که بدان دستبرد زده اند

که غرفه‌های سنگی زیادی در سطح آن وجود داشت، کردند. باستان‌شناسان امیدوار بودند که در زیر این محل ساختمانی بزرگ کشف کنند. چندی بریامد که به دلایلی زیرزمینی برخوردارند که بسیار بزرگ بود و به کمک پلکانی به چاه آبی منتهی می‌شد.

دهانه چاه باتکه سنگی چهار گوش که وسط آن را سوراخ کرده بودند، پوشانده شده بود. دو مجسمه بی‌سرنیز به دست آمد که حدس زده شد در مدخل پلکان قرار داشته است. آزمایش نشان داد که این دو مجسمه از دوران پیش از اسلام است. درین زمان کاوش در این محل متوقف گردید چون از یک طرف به سطح آب در زیر زمین برخورد کرده بودند و از طرف دیگر جای دیگری پیدا شده بود که بسیار مهم می‌نمود و از نظر باستان‌شناسی ارزش بیشتر داشت.

این محل، تپه‌ای بزرگ بود که در نزدیکی دهکده «بربر» در ساحل شمال غربی جزیره قرار داشت. درین مکان سنگی تراشیده شده از خاک بیرون آمده و همین نشانه نظر باستان‌شناسان را به خود جلب کرده بود. کودالی آزمایشی کننده شد و حیاطی با دیوارهایی سنگی و کوتاه پدیدار شد.

عکسی از کاوش در «بربر» : چاه آب و پلکان آن دیده می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مال جمع علوم انسانی

در وسط حیاط که سالها در زیر خاک مانده بود دو دایره تودرتو که باسنکهای تراشیده منحنی درست شده بود به چشم می خورد. پس از اینکه گودال آزمایشی را گسترش دادند معلوم شد که این دو دایره بقایای پایه های ستونی است که بر فراز آن مجسمه یا چیز مقدس دیگری قرار می گرفته است. در مشرق این پایه سنگی دو سنگ تراشیده به طور عمودی قرار داشت که سطح بالای آن مقعر بود. در برابر این دو سنگ فریادگانه ای مجوف دیده می شد که در زیر آن راه آبی از سنگ، ساخته شده بود که به خارج از دیوار راه می یافت.

در دیوار شمالی این بنا، غرفه ای پیدا شد که می توان آن را گنجینه گرانبهای این معبد نامید. درین گنجینه مقدار زیادی مهره سنگی با آویزهای گوناگون و زیورها و ظروفی مرمری و مسین و مجسمه کاهنی در حال عبادت، باسری تراشیده به دست آمد. بدین قرار باستانشناسان به مقدس ترین مکان معبد دست یافتند. مجسمه کاهن بی شك از دوران سومریان بود و با این مقیاس، قدمت چیزهای دیگری هم که به دست آمده بود معلوم می گردید. ازین گذشته بسیاری از اشیائی که به دست آمده بود شباهت زیادی به آثار باستانی دره سند داشت.

اکنون پس از هشت سال کوشش، باستانشناسان موفق شده اند که معبد دهکده «بربر» را کاملاً از زیر خاک بیرون آورند و از خاک پاکش سازند. این معبد بر فراز صفه ای از سنگ بنا شده است و دیوارهایی از سنگ تراشیده دارد. باستانشناسان از راهروئی گذشتند و به سردابی بیضی شکل وارد شدند، کف سنگفرش شده این سرداب پر از ذغال بود. شك نیست که این ذغالها، قربانیائی بوده اند که در پیشگاه خدایان سوزانده شده اند. سکوهائی هم در اطراف این سرداب وجود داشت که تصور می رود جانوران قربانی را بر روی این سکوها قرار می داده اند. در قسمت غربی، دالان وسیعتری دیده می شد که به حوض یا حمام کوچکی منتهی می گردید که علوم انسانی و مطالعات فرسنگی

این معبد از يك سو چون معبد های سومری در دوران های ابتدائی است و از طرف دیگر چون حوض و حمام دارد مانند پرستشگاه های است که در دره سند کشف شده است کاوش هایی که درین معبد به عمل آمد نشان داد که سه بار درین معبد ساختمان صورت گرفته است و در هر بار قسمتهائی بر آن افزوده شده است.

اشیاء کوچک بسیاری نیز چون پیکان های مسین و تبر و داس و... درین معبد به دست آمد. پیدا شدن سر گاوی که با ظرافت بسیار ساخته شده بود نظر همه را جلب کرد، چون هر بیننده اهل فن را به یاد سر گاوهائی می انداخت که در کور پادشاهان کلدی و برانه های شهر «اور» به دست آمده است. کشف مهم دیگر به دست آمدن شش مهرمدور سنگی بود. باستانشناسان با اینگونه مهرها آشنائی داشتند، چون در بین النهرین در میان هزاران مهر استوانه ای هفده مهرمدور ازین نوع به دست آمده بود که متعلق به آن سرزمین نبود و حدس زده می شد که از دوهزار تا دوهزار و سیصد قبل از میلاد باقی مانده باشد. بر روی چندتائی ازین مهرها، به خط کشف شده ای که در دره سند معمول بوده است نوشته هائی ح کتده شده بود. طرف دیگر سه نمونه از همین مهرها در کاوش های دره سند نیز به دست

آمده است و باستانشناسان از همان زمان برین عقیده بودند که این مهرها از آن مردم دره سند نیست و از جایی دیگر بدانجا آمده است. چون مهرهای بومی این دره غالباً به شکل مربع بودند.

بدین حساب به نظر می رسد که این مهرها متعلق به دوران تمدن جزیره بحرین است و ازین راه هم می توان حدس زد که معبد «بربر» در سه هزار سال پیش از میلاد بنا شده است و این پرستشگاه از آن مردمی بوده است که از یک سو با اهالی بین النهرین و از سوی دیگر با مردم دره سند بازرگانی داشته اند ولی با این همه صاحب تمدنی جدا ازین دو بوده اند. البته این بدان معنی نیست که این تمدنها در یکدیگر تأثیر نداشته اند.

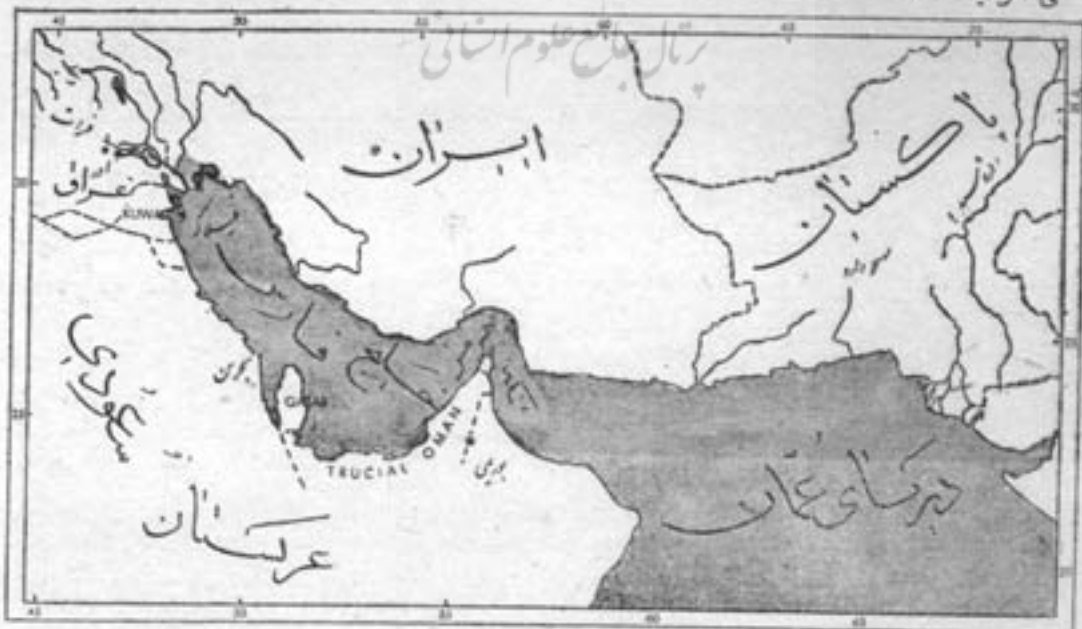
ظرفهای سفالینی نیز در معبد «بربر» به دست آمده که شکلی خاص داشت: شکمی بزرگ و مدور، جنس آن از سفال قرمز بود و لوله ای کوتاه داشت. این ظرفها با خطوط افقی برجستهای تزئین شده بود. در گورها، خاصه آنها که شکل T داشتند نیز ظرفهایی از همین نوع به دست آمد. بدین راه ثابت شد که معبد همزمان همان کسانی است که درین گورها مدفون شده اند.

در همان سال اول حفاری در بحرین جای دیگری نیز مورد کاوش قرار گرفت. درین محل نیز نتایج همانند آنچه در نزدیکی دهکده «بربر» به دست آمده بود حاصل شد و باستانشناسان رایاری بسیار کرد. در چند میلی خاوری «بربر» درخم ساحل، جایی است به نام «رأس القلعه»، تپه ای بزرگ در اینجا قرار دارد که بر فراز آن قلعه ایست که پرتغالیان در قرن شانزدهم میلادی، هنگام تسلط صد ساله شان بر خلیج فارس بنا کرده اند. کاوش درین تپه نشان داد که خود تپه در اثر ویرانی شهرهایی که بر فراز هم یکی پس از دیگری بنا شده اند، به وجود آمده است. اگرچه منطقه ای که در آن کاوش صورت گرفته است نسبت به سطحی که تپه اشغال کرده است بسیار کوچک می باشد، با وجود این آشکار شده است که در هفت دوران، هفت شهر بر روی ویرانه شهر پیشین بنا شده است. در دومین طبقه از پائین - یعنی در دومین دوران آبادی این شهر - نمونه هایی از ظروف سفالین سرخ رنگ و مهرهای مدور که مانند آنها در ناحیه «بربر» به دست آمده بود، پیدا شد. در همین سطح خانه هایی سنگی و طرح خیابانهایی منظم، به شکل مستطیل و دیوارهایی سنگی و کلفت (به کلفتی ۱۴ پا) کشف شد. در شهری که در زیر این شهر قرار دارد، یعنی هفتمین شهر از بالا، همینگونه مهرها به دست آمده است، با این تفاوت که نقوش اینها بدوی تر است و شباهت بیشتری به مهرهایی دارد که در دره سند به دست آمده است. ظروف سفالین این شهر نیز با آنچه در نزدیکی دهکده «بربر» پیدا شده است بی ارتباط نیست: نقوش این ظرفها ازنجیری است و در بدنه ظرف فرو رفته است. بدین حساب دوشهر زیرین را می توان متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد دانست.

پنج شهر دیگری که بر روی این دو شهر بنا شده اند، دورنمای خوبی از تاریخ و سرگذشت این جزیره از دوران باستان تا زمان های بسیار نزدیک به ما، به دست می دهد. پس از دو دوره ای که نام برديم یعنی دورانهایی که در هزاره سوم پیش از میلاد برین جزیره گذشته است، تغییرهای بارزی در طرهای ظروف به و دیگر از صنایع وجود آمده است چنین

به نظر می آید که پس ازین دوران اقوام نازمای درین جزیره ساکن شده اند . این اقوام هم فقیرتر بوده اند و هم از نظر تکامل تمدنی ، از آنان که پیش ازین درین جزیره به سر می بردند پست تر بوده اند ، این موضوع از طرح و نقش های آناری که از اینان باقی مانده است هویداست باوجود این یکی از مجلل ترین بناها که باستانشناسان آن را کشف کرده اند درین دوران ساخته شده است . این بنا که در اواخر سال اول کاوش در رأس القلمه کشف شده است اکنون بر فراز صفه ای در ارتفاع ۱۶ پا دیده می شود . این بنا با سنگهای تراشیده ای به طول دوازده پا ساخته شده است . دروازه عظیم و دیوارهای ضخیم آن هنوز پا برجاست . تصور می رود که در اواخر دو دوره قبل (دوره ای که معبد بربر بنا شده است) ساختمان این بنا شروع شده است و سپس مهاجمانی که بر جزیره چیره شده اند آن را به پایان رسانده اند . سومین شهر (ازبائین به بالا) در حدود هزاره دوم پیش از میلاد متروک و ویران شده است . سالها بعد طایفه ای دیگر که بر جزیره دست یافته اند ، صاحب تمدنی دیگر بوده اند .

ابزارهای خاصی به کار می بردند که در گذشته درین جزیره وجود نداشته است و همین اقوام بودند که بنای نیمه تمام را به انجام رساندند . مصالحی که این طایفه در ساختمان هاشان به کار بردند پست تر از آنچه در دوران های پیش به کار رفته ، بوده است . این بنا در دوران جدید ، معبد الهه مار شده است . در دوره پیش که طایفه جدید بر جزیره چیره شده بودند این معبد سقفی داشته است که بر دو ستون استوار بوده است . بقایای این ستونها هنوز باقی است . اما در دوران بعد سقف از میان رفته است و یک ستون را برداشته اند و ستون دیگر را نیمه کرده ، آن را به جای محراب به کار بردند . چهارده طرف درین پرستشگاه به دست آمده است که در هفت نای آنها اسکلت مارهایی باقی است . بعضی از این ماران ۵ پا درازی دارند . در کنار چند تائی ازین مارها مهره هایی وجود داشته است ، و گردنبندی که بیست و شش مهره عقیق و شیشه و چینی و کبره ای نقره ای دارد در یکی ازین ظرفها به دست آمده است . واضح است که در این ظرفها هدیه هایی گذاشته می شده و پیشگاه الهه معبد تقدیم می گردیده است .





در اوایل هزاره اول
پیش از میلاد این بنا متروک
می گردد و تا مدتی به عنوان
سردابی که در آن مردگان را
مدفون می داشته اند به کار می
رفته است. در این زمان اطافهای
معبد دیگر در زیر زمین قرار
گرفته بود. اشخاص بالغ را
در تابوت هایی که قیر اندود شده
بود می نهادند و کودکان را به طور
خمیده در تنبوشه های سفالین
جای می دادند. یغماگران
کورستان به بیشتر این تابوت ها
دست برد زده اند. در یکی
از این تابوت ها که ازین آفت
مصون مانده است يك دست
شراب خوری کامل یعنی - و
وساغر و صافی و چمچه و يك
مهر عقیق به دست آمده است.
این ها متعلق به هفتصد قبل
از میلاد است. شهر جدید در
بیرون این بنای متروک گسترش
یافته و بر سطحی بالاتر یعنی
بر فراز ویرانه های شهر زیرین
به پا شده است.

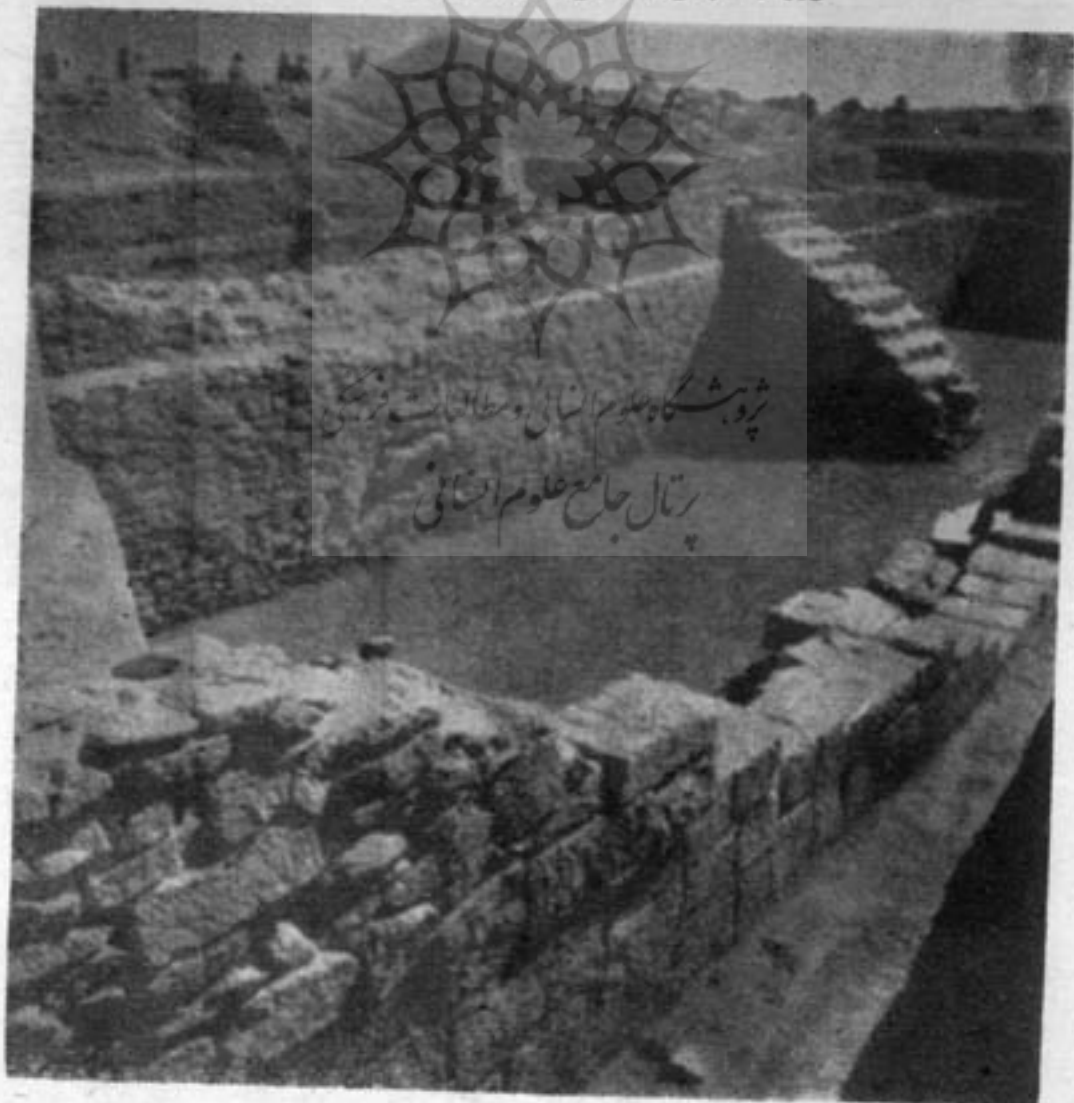
درین سطح یعنی در
ویرانه های شهر جدید، ناکهان
به ظرفهائی سفالین ' اما سیاه
رنگ بر می خوریم که ساخت
آتن و متعلق به چهار صد پیش
از میلاد است. سفالهای قهوه ای

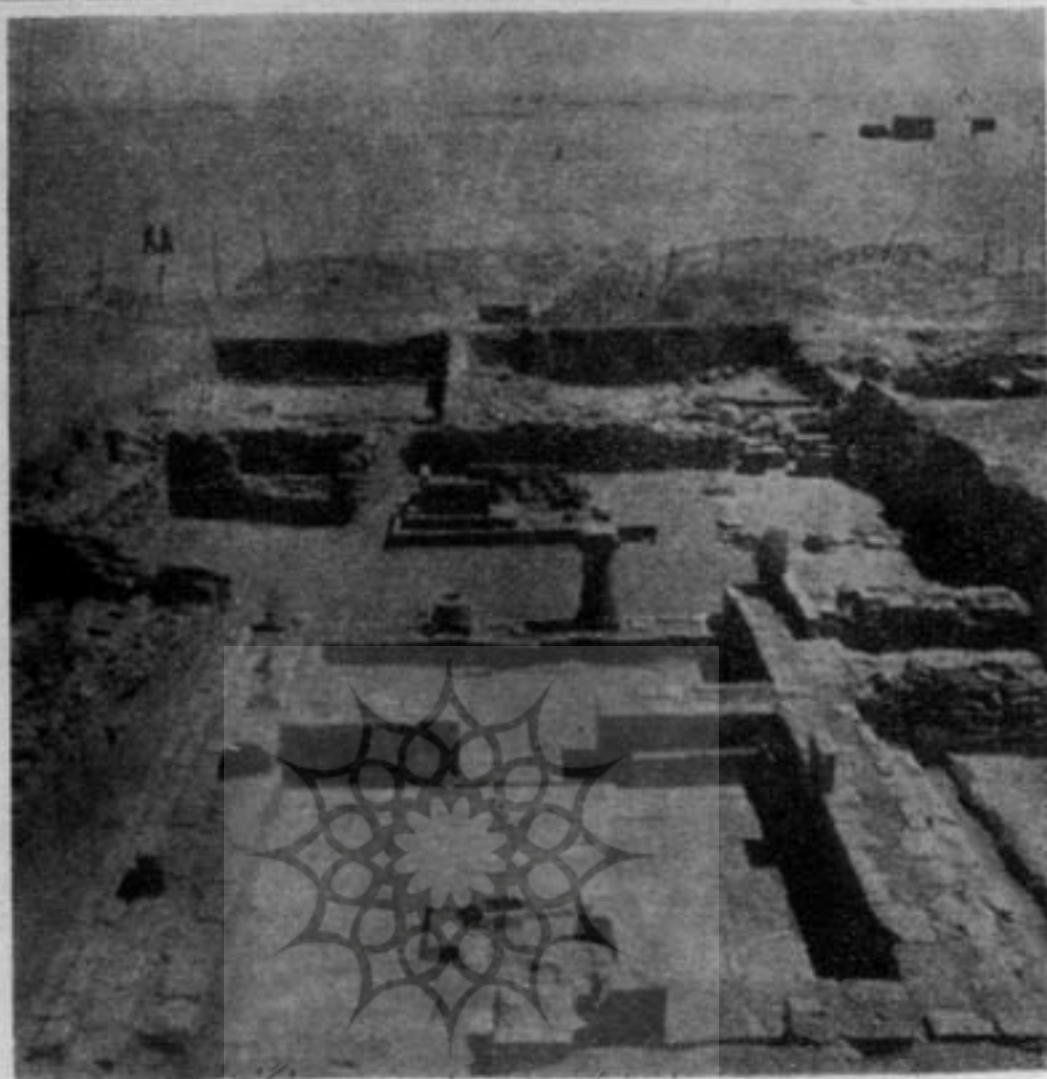
وقرمز رنگ نیز درین طبقه به دست آمده است. بر یکی ازین ظرفهای سفالین اسمی یونانی کنده شده است. این مطلب نشان می دهد که پیش از حمله اسکندر نیز یونانیان نه تنها روابط تجاری با ایران داشته اند بلکه در نواحی خلیج فارس رفت آمد هم می کرده اند و شاید عدای از آنان درین منطقه ساکن بوده اند.

به نظر می رسد که در زمان طلوع مسیحیت و سقوط جانشینان اسکندر بار دیگر شهر «رأس القلعه» رو به ویرانی نهاده است. دو بنای آخری که بر روی تمام این ویرانه ها ساخته شده است مربوط به دوران اسلامی است. از طرف های چینی و بارفتن که درین دو بنا به دست آمده است می توان در یافت که دوران آبادی آخرین طبقه این تپه همزمان با پادشاهی «سوسک» و «مینک» در چین بوده است و این زمان از قرن دهم تا شانزدهم میلادی است. بر فراز این طبقه از تپه است که برتغالیان در قرن شانزدهم. قلعه های خود را بنا کرده اند.



اکنون بر مائات شده است که بحرین دستکم از هزاره سوم پیش از میلاد صاحب دیوار معبدی باستانی که در «بربر» کشف شده است





معبدی یونانی که در «کویت» - شمال بحرین - کشف شده است

مدینیتی بوده است و از هزاره دوم یکی از مراکز قدرت و ثروت این خطه جهان به شمار می‌رفته است. تمدن این ناحیه گرچه خاص خودش است، از یک طرف با تمدن سومری در بین‌النهرین و از طرف دیگر با تمدن دره سند که شهر معروف «موهنجودارو» در آن کشف شده و یکی از بزرگترین مراکز آن است، بستگی داشته است.

در کتیبه‌های بسیاری که در یک قرن گذشته از بین‌النهرین به دست آمده است مکرر به چنین تمدنی در خلیج فارس اشاره شده است. نکته‌ای که یادآوریش لازم است اسناد تجاری است که در بین‌النهرین به دست آمده و در آنها روابط بازرگانی میان شهرهای اور، لارسا، لاکاس و نی‌پور یاد شده است و به جزیره‌ای که بی شک همین جزیره می‌باشد مرتباً اشاره گردیده است. در کتیبه‌های تاریخی که کشور گشائی‌های پادشاهان در آنها مطرح است نیز نوشته شده است که پادشاهان سومر و بابل و آشور به کشورهای دریای پائین لشکر کشیده و بر آنها چیره شده‌اند. درین کتیبه‌ها از سه حکومت نام برده شده است: دیلمون، ماکان و

مهلوها. جالب این است که در تمام کتیبه‌ها این سه کشور را بهمین ترتیب نام برده‌اند، شاید به ترتیب دوری و نزدیکی آنها به بین‌النهرین.

«هنری رالینسن Henry Rawlinson» افسر انگلیسی که در مستعمره‌های این کشور کار می‌کرد و سدسال پیش موفق به خواندن خط میخی شد، اولین کسی بود که جزیرهٔ بحرین را همان «دبلمون» مردم بین‌النهرین دانست. این تصور به سبب کتیبه‌ای میخی بود که در بحرین آن را یافت و در آن نام خدای «اینزاک Inzak» برده شده بود. اکنون فرضیهٔ او ثابت شده است و شك نیست که دبلمون همین بحرین کنونی است.

در کتیبه‌های میخی بین‌النهرین «دبلمون» به عنوان جزیره‌ای که در آن «آب شیرین» به وفور یافت می‌شود و اگر باد موافق بوزد بادو روز دریاوردی می‌توان بدان رسید» نام برده شده است. در همین کتیبه‌ها نوشته شده است که کشتی‌های تجاری بدین سه جزیره نقره و پارچه‌های یشمین می‌برده‌اند و با مس و طلا و عاج و ... معاوضه می‌کرده‌اند. ازین گذشته نوشته‌اند که در جزیرهٔ «دبلمون» خرما و مروارید بسیار بوده است و اهمیت تجاری بسیار داشته چون لشکر گاه بازرگانان دریائی بوده است.

اما اهمیت معنوی «دبلمون» بسیار بیش از آنچه گفته شد بوده است شاعران و ستاینندگان خدایان و پهلوانان اساطیری، آفرینش انسان را درین جزیره می‌دانسته‌اند و سرزمین جاوید، و بهشتی که باغهای خرم و آبهای شیرین در آن بسیار است می‌پنداشته‌اند. می‌گفتند که بیماری و پیری و مرگ درین جزیره وجود ندارد.

در افسانه‌های سومری آمده است که «زیوس اودرا Zius-udra» تنها کسی که از طوفان بزرگ جان بدربرد در سرزمین «دبلمون» فرود آمد و در آنجا به راز جاویدانگی پی‌برد و زندگی ابدی یافت. و «کیل کمش» پهلوان بزرگ سومری درین سرزمین به تلاش پی‌حاصل خود برای یافتن زندگی جاوید دست زد. (یکی از حماسه‌های کهن سومری حماسهٔ کیل کمش است که به دست ما رسیده است.) اما هنوز از کاوش‌های باستانشناسان آثاری که دلیل بر دورانی طلائی، آنچنان که در افسانه‌ها آمده است باشد، به دست نیامده است.

باستانشناسان دانمارک کسی پس از پی بردن به وضع تجاری جزیرهٔ بحرین، راه بازرگانان را به حدس دریافتند و دامنهٔ کاوش‌های خود را تا شصده میل بالاتر از بحرین یعنی در سواحل عربستان (از کویت تا تنگهٔ هرمز که مدخل خلیج فارس است) ادامه دادند. در جزیرهٔ «فیلا» که Failaka شهر کوچکی را کشف کردند که بسیار ثروتمند بوده است. ظرفهای سفالینی که درین شهر به دست آمد درست مانند ظروفی بود که در بحرین پیدا شده



اشیائی از عصر حجر که در بحرین بدست آمده است بود . بعضی از طرف های سنگی و سفالین دارای نقش انسان و جانوران بسود و بعضی دیسگر دارای نوشته هایی به خط میخی . ازین گذشته از همان مهرهائی که در بحرین پیدا شده بود و متعلق به دوران «بربر» بود، دو دست دانه در این شهر کوچک کشف شد . شك نیست که این شهر یکی از نواحی زیر تسلط «دیلمون» بوده و همان تمدن در اینجا نیز رواج داشته است .

در نزدیکی این شهر قلعه ای نیز پیدا شد که در دو هزار سال بعد ، به دست پیشقراولان سپاه اسکندر، هنگام یازگشت از هندوستان بنیان نهاده شده است . در این قلعه و اطراف آن سبوهای شراب به شیوه «رودی» (Rhodian) و قالب هایی که به کار ریختن اشیاء گمرالبهائی که از سنجینه معبد به دست آمد .



پیکره خدایان می خورده است و همچنین قالب مجسمه اسکندر که او را نیز از زمره خدایان می انگاشته اند ، به دست آمده است . در آخرین کاوش ها پرستشگاهی یونانی نیز درین محل کشف شد . کتیبه ای مفصل به خط یونانی به دست آمد که امپراطور یونان در آن فرمان داده بود پایگاهی یونانی در آن مکان که «بسیار از خاک مین دور است» بنا گردد .

کار باستانشناسان به اینها پایان نگرفته است از کاوش آزمایشی که در جزیره کوچکی دور از ساحل و در واحه های «بوریمی» و سواحل عربستان (در محلی که با شتر سه روز راه باید پیمود و در خاک عربستان پیش رفت) صورت گرفته است، کورهای تازه ای کشف شده است که کاملاً با آنچه در بالا یاد آور شدیم متفاوت اند . دیوارهای این قبرها به شکل چند ضلعی هائی نزدیک به دایره است و سنگهای آنها را به اشکال مدور و هلالی تراشیده اند. بلندی این کورها از قد آدمی بیشتر است . اگر کسی با زحمت خود را از سوراخی که مدخل این کورهاست به داخل آنها برساند ، دالانهائی تو در تو با سقف هائی هلالی شکل در برابر خود می یابد . درین کورها به خلاف آنچه در بالا یاد آور شدیم يك نفر را مدفون نمی ساخته اند ، بلکه در هر مقبره تقریباً پنجاه اسکلت آدمی دیده می شود که به طور نامنظم به روی هم ریخته شده است . به نظر می رسد که هر بار اسکلت ها را به کناری عقب زده اند تا جا برای مرده تازه باز شود ، در میان این استخوانهای نامنظم مقدار زیادی مهره و ظرفهای ظریف و رنگین سفالی دیده می شود . این ظرفها شباهت زیادی به آنچه در بحرین به دست آمده است دارد . بدین دلیل می توان حدس زد که متعلق به همان دوران است و با تمدن «دیلمون» و دژه سند بستگی دارد .

امکان زیادی هست که این محل دوهین مرکز بزرگ تمدن خاور یعنی «ماکان» باشد . کاوش های آینده این مشکل را نیز حل خواهد کرد .

ترجمه جمال الدین فزوهری